



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

## درس ۵۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای محمد جعفری

## مقدمه

از این درس به بعد، مستقیماً به محدوده و گستره دلالات در ادله شرعیۀ لفظیه می‌پردازیم. البته از آنجا که علم اصول متکفل مباحثی است که در کل ابواب فقه کاربرد داشته باشد، تنها در محدوده دلالت‌هایی بحث می‌کنیم که این چنین عمومیتی در ابواب فقه داشته باشند. یکی از این موارد، بحث در گستره دلالت لفظ «امر» است. باید توجه داشت که مباحث این درس مختص به ماده امر (أ-م-ر) است و بحث در مورد صیغه امر (هیئت إفعال و ....) به درس‌های بعد موکول می‌شود. در این درس در مورد معانی ماده امر سخن به میان خواهد آمد و خواهیم گفت که اگر چه یکی از معانی لفظ امر، «طلب» می‌باشد، اما لفظ امر و طلب مترادف نمی‌باشند. در ادامه بحث دیگری مطرح می‌شود که آیا مراد از طلب -که یکی از معانی لفظ امر است (و همین معنا، معنای مورد نظر در علم اصول است)- طلب وجوبی است و یا طلب استحبابی؟

## متن درس

الأمر:

الأمر تارة يستعمل بمادته فيقال: «أمرك بالصلاة» و أخرى بصيغته فيقال: «صل»

اما مادة الأمر فلا شك في دلالتها بالوضع على الطلب، و لكن لا بنحو تكون مرادفة للفظ الطلب، لأن لفظ الطلب ينطبق بمفهومه على الطلب التكويني كطلب العطشان للماء و الطلب التشريعي سواء صدر من العالي أو من غيره، بينما الأمر لا يصدق الا على الطلب التشريعي من العالي، سواء كان مستعليا - أى متظاهرا بعلوه - أو لا.

كما ان مادة الأمر لا ينحصر معناها لغة بالطلب، بل ذكرت لها معان أخرى كالشيء و الحادثة و الغرض، و على هذا الأساس تكون مشتركا لفظيا و تعيين الطلب بحاجة إلى قرينة، و متى دلت القرينة على ذلك يقع الكلام في ان المادة تدل على الطلب بنحو الوجوب أو تلائم مع الاستحباب؟ فقد يستدل على انها تدل على الوجوب بوجوه:

منها: قوله تعالى: «فليحذر الذين يخالفون عن أمره» و تقريبه ان الأمر لو كان يشمل الطلب الاستحبابي لما وقع على إطلاقه موضوعا للحدز من العقاب. و منها قوله: صلى الله عليه و آله: «لو لا ان أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك». و تقريبه أن الأمر لو كان يشمل الاستحباب لما كان الأمر مستلزما للمشقة كما هو ظاهر الحديث. و منها: التبادر فان المفهوم عرفا من كلام المولى حين يستعمل كلمة الأمر انه في مقام الإيجاب و الإلزام و التبادر علامة الحقيقة.

## دلالت مادهٔ امر

گاهی از، «مادهٔ امر» که دارای معنای اسمی است، استفاده می‌شود، مانند «آمرک بالصلاة» و گاهی صیغهٔ امر که دارای معنای حرفی است، مورد استعمال قرار می‌گیرد، مانند «صل».

مادهٔ امر یعنی (أ-م-ر) برای معنای طلب وضع شده است، اما آیا می‌توان گفت لفظ «أمر» و «طلب» مترادف هستند؟ به سه دلیل پاسخ منفی است؛ یعنی با وجود آن‌که می‌توان گفت مادهٔ امر بر «طلب» وضع شده است، اما این دو لفظ مترادف نمی‌باشند.

۱. لفظ طلب هم بر «طلب تکوینی» اطلاق می‌شود، مانند طلبی درونی که فرد تشنه نسبت به آب دارد و می‌توان گفت او طالب آب است. و هم در «طلب تشریعی» استعمال می‌شود. مانند جایی که مولا به عبد خود بگوید: «به تو امر می‌کنم برایم آب بیاوری.» اما مادهٔ امر تنها در طلب تشریعی به کار می‌رود؛ یعنی تنها بر طلب تشریعی وضع شده است و استعمال آن در طلب تکوینی صحیح نیست.

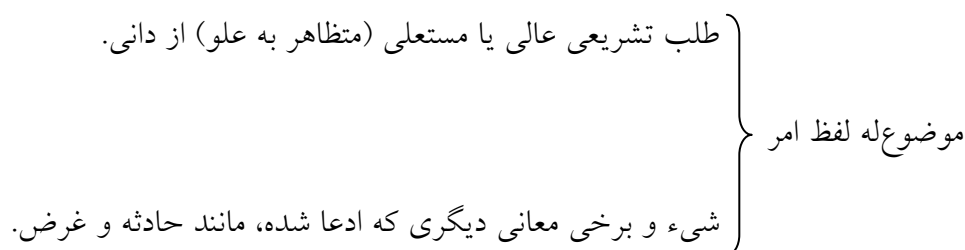
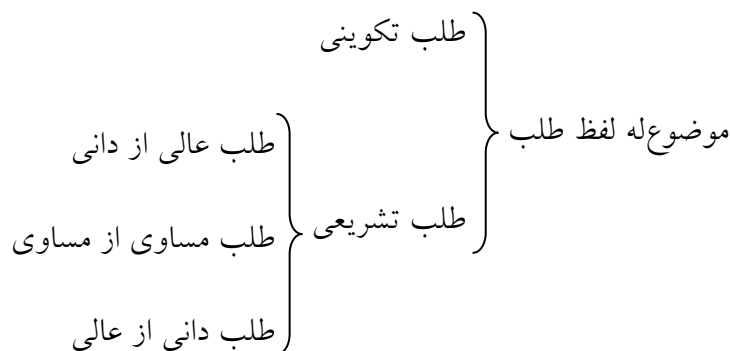
۲. لفظ طلب در مطلق طلب تشریعی استعمال می‌شود، چه این مطلب از سوی فردی عالی صورت گرفته باشد، مانند طلب مولا از عبد؛ و یا فردی که در رتبه با مطلوب منته مساوی است، مانند طلب برادر از برادر هم‌سن خود؛ و یا حتی از جانب فردی که از این حیث از مطلوب منته پایین‌تر است؛ یعنی طلب از سوی فرد دانی، مانند طلب عبد از مولا.

اما مادهٔ امر تنها برای طلب تشریعی از جانب فرد عالی وضع شده است؛ چه این که آمر، علو و برتری حقیقی خود را ظاهر سازد، یعنی از موضع بالا امر کند و چه این‌که با وجود علو خود نسبت به مخاطب، متواضعانه امر کند. پس از این دو جهت، لفظ طلب، معنایی اعم از معنای مادهٔ امر دارد، بنابراین مسلماً این دو مترادف نمی‌باشند.

۳. مادهٔ امر نیز از جهتی دارای معنایی گسترده‌تر و عام‌تر از معنای لفظ طلب است؛ یعنی گرچه مسلماً مادهٔ امر به معنای طلب وضع شده است، اما باید دانست که این ماده به نحو اشتراک لفظی بر معنا یا معانی دیگری هم وضع شده است.

برخی معنای دیگر لفظ امر را «شیء» می‌دانند. و برخی معانی متعدد دیگری را نیز مانند «حادثه»، «غرض»، و... به آن اضافه نموده‌اند؛ لکن مسلم است که لفظ امر، حداقل برای دو معنایی «طلب» و «شیء» وضع شده است؛ اما شاید بتوان معانی دیگری که ذکر شده را به این دو معنا برگرداند. به هر صورت لفظ امر، مشترک لفظی است و برای این‌که در «طلب» استعمال شود نیاز به قرینه هست.

لذا از این حیث، مادهٔ امر معنایی گسترده‌تر از لفظ طلب دارد و این مطلب دلیل سوم بر مترادف نبودن این دو لفظ است.



### تطبيق

الأمر تارة يستعمل بمادته فيقال: «أمرک بالصلاة» و أخرى بصيغته فيقال: «صل».

گاهی ماده امر استعمال می شود و مثلاً گفته می شود «أمرک بالصلاة» و گاهی صیغه امر استعمال می شود و گفته می شود «صل»

اما مادة الأمر فلا شک فی دلالتها بالوضع علی الطلب<sup>۱</sup>، و لکن لا بنحو تكون<sup>۲</sup> مرادفة للفظ الطلب

اما شکی نیست که ماده امر وضعاً دلالت بر طلب می کند ولی نه به این صورت که مرادف لفظ طلب باشد.

لأن لفظ الطلب ينطبق بمفهومه<sup>۳</sup> علی الطلب التکوینی کطلب العطشان للماء و الطلب التشریعی<sup>۴</sup> سواء صدر من العالی أو من غیره

زیرا مفهوم لفظ طلب هم بر طلب تکوینی منطبق می شود - مثل این که شخص تشنه طلب آب کند - و هم بر طلب تشریعی منطبق می شود؛ چه امر از شخصی که رتبه اش بالاتر است صادر شود و چه از غیر او صادر شود.

بینما الأمر لا یصدق الا علی الطلب التشریعی من العالی، سواء کان<sup>۵</sup> مستعلیاً ای متظاهراً بعلوه أو لا.

در حالی که امر صدق نمی کند مگر بر طلب تشریعی از طرف شخصی که رتبه اش بالاتر است؛ حال چه مستعلی باشد، یعنی تظاهر به برتری بکند و چه تظاهر به برتری خود نداشته باشد.

<sup>۱</sup>. متعلق جار و مجرور: دلالت

<sup>۲</sup> اسم تكون: مادة

الأمر

<sup>۳</sup>. مرجع ضمیر: لفظ الطلب

<sup>۴</sup>. معطوف علیه: الطلب التکوینی

<sup>۵</sup> اسم کان: العالی

كما ان مادة الأمر لا ينحصر معناها لغة بالطلب، بل ذكرت لها<sup>۱</sup> معان أخرى كالشيء<sup>۲</sup> و الحادثة<sup>۳</sup> و الغرض<sup>۴</sup>، و على هذا الأساس تكون مشتركا لفظيا و تعيين الطلب بحاجة<sup>۵</sup> إلى قرينة همان‌طور که ماده امر معنایش منحصر در طلب نیست، بلکه معانی دیگری نیز برای آن ذکر شده است، مثل «شیء»، «حادثه» و «غرض»، بنابراین مشترک لفظی می‌باشد و تعیین طلب از میان معانی امر نیاز به قرینه دارد.

Sco۱: ۱۴:۵۲

### استجابی یا وجوبی بودن طلبی که از ماده امر فهمیده می‌شود

اکنون که ماده امر را مشترک لفظی دانستیم، اگر بخواهیم آن را در معنای طلب استعمال کنیم، نیازمند قرینه هستیم. سؤال: اگر قرینه‌ای وجود داشته باشد که ماده امر بر طلب دلالت می‌کند آیا طلب وجوبی است یا استجابی یا جامع بین این دو؟

پاسخ: در مسئله، نظریات مختلفی هست، عده‌ای قائلند که ماده امر بر طلب وجوبی وضع شده است و بر این مدعای خود ادله‌ای ذکر نموده‌اند که به سه مورد از این دلایل اشاره می‌کنیم:

۱. آیه «فليحذر الذين يخالفون عن أمره»؛<sup>۶</sup> تقریب استدلال به این شکل است که اگر امر از مولا صادر شود و مأمور با آن مخالفت کند، مأمور به علت مخالفت و عدم انجام مأمور<sup>۷</sup> به مستحق عقوبت شده است. با توجه به ظاهر آیه، استحقاق عقوبت در مطلق امرهای الهی وجود دارد. پس همین که در آیه، امر، مطلقاً موضوع برای پرهیز از عقاب قرار گرفته است، دلالت بر این دارد که لفظ امر بر طلب وجوبی وضع شده است.

۲. روایتی از پیامبر اکرم (ص) که فرموده‌اند: «لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك»<sup>۷</sup>؛ تقریب استدلال به این نحو است که اگر لفظ امر در طلب استجابی نیز به کار می‌رفت دیگر امر کردن به مسواک مشقتی برای امت نداشت؛ زیرا ترک امر استجابی جایز است. اما این که حضرت فرموده‌اند: «برای این که امتم به مشقت نیافتند، امر به مسواک ننمودم.» این دلیل بر این است که امر در طلب استجابی به کار نرفته است.

۳. تبادر، که یکی از علائم حقیقت است؛ متبادر از کلمه «امر» این است که مولا در مقام ایجاب و الزام است. برای مثال اگر پدری به فرزند خود گفت: «به تو امر می‌کنم که فلان کار را انجام دهی» و آن فرزند آن کار را انجام ندهد، به این بهانه که من از امر پدرم طلب استجابی فهمیدم، در این صورت عقلا او را مذمت می‌کنند. بنابراین متبادر در اذهان این است که لفظ امر دال بر طلب وجوبی است.

<sup>۱</sup> مرجع ضمیر: ماده امر

<sup>۲</sup> مثال: عندی أمر؛ یعنی یک شیء نزد من است.

<sup>۳</sup> مثال: وقعت أمر

<sup>۴</sup> مثال: فعلت هذا الامر

<sup>۵</sup> یعنی: یحتاج

<sup>۶</sup> نور، آیه ۶۳

<sup>۷</sup> رک: وسائل الشیعه، جزء اول، باب سوم از ابواب سواک، حدیث ۹

## تطبیق

و متى دلت القرينة على ذلك<sup>۱</sup> يقع الكلام في ان المادة تدل على الطلب بنحو الوجوب أو تلائم مع الاستحباب؟ فقد يستدل على انها<sup>۲</sup> تدل على الوجوب بوجه<sup>۳</sup>:

و وقتی قرینه دلالت کرد که امر دال بر طلب است بحث می‌شود که آیا ماده، به نحو وجوبی دلالت بر طلب می‌کند یا اینکه با استحباب نیز سازگار است؟ عده‌ای که قائلند ماده امر بر طلب وجوبی دلالت دارد، برای این استدلال به وجوهی تمسک کرده‌اند:

منها: قوله تعالى: «فليحذر الذين يخالفون عن أمره» و تقریبه<sup>۴</sup> ان الأمر لو كان يشمل الطلب الاستحبابی لما وقع<sup>۵</sup> على إطلاقه موضوعا للحدز من العقاب.

یکی از آن وجوه، آیه شریفه «فلیحذر الذین یخالفون عن امره» می‌باشد. تقریب استدلال به آیه این گونه است که اگر امر شامل طلب استحبابی هم بشود «مطلقاً» موضوع برای حذر از عقاب واقع نمی‌شود.

و منها قوله: صلى الله عليه و آله «لو لا ان أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك». و تقریبه ان الأمر لو كان يشمل الاستحباب لما كان الأمر مستلزماً للمشقة كما هو ظاهر الحديث.

و یکی دیگر از وجوه، قول پیامبر(ص) که فرمودند: «اگر موجب مشقت بر امتم نبود، آن‌ها را به مسواک زدن امر می‌کردم». و تقریب استدلال به این روایت این گونه است که همان طور که ظاهر حدیث چنین است، اگر امر مشمول استحباب هم می‌شد، امر به مسواک زدن موجب مشقت نمی‌بود.

و منها: التبادر فان المفهوم عرفاً من كلام المولى حين يستعمل كلمة الأمر انه في مقام الإيجاب و الإلزام و التبادر علامة الحقيقة.

و یکی دیگر از وجوه، تبادر است؛ زیرا هنگامی که مولا امر را استعمال می‌کند، آن چه عرفاً فهمیده می‌شود، این است که مولا در مقام ایجاب و الزام است و تبادر هم علامت حقیقت می‌باشد.

Sco۲: ۲۷:۳۲

<sup>۱</sup>. مشارالیه: دلالت لفظ امر بر معنای طلب

<sup>۲</sup>. مرجع ضمیر: ماده امر

<sup>۳</sup>. متعلق جار و مجرور: يستدل

<sup>۴</sup>. مرجع ضمیر: هذا الوجه (مرجع ضمیر معنوی است)

<sup>۵</sup>. فاعل: ضمیر مستتر که به «الأمر» باز می‌گردد.

<sup>۶</sup>. مرجع ضمیر: مشقت

## چکیده

۱. ماده امر برای معنای طلب وضع شده است، اما لفظ امر و طلب مترادف نمی‌باشند.
۲. علت عدم ترادف این است که معنای لفظ طلب از دو جهت، اعم از معنای لفظ امر است و نیز معنای لفظ امر از یک جهت از معنای لفظ طلب، اعم می‌باشد.
۳. لفظ طلب هم در طلب تشریعی و هم در طلب تکوینی، حقیقتاً استعمال می‌شود، اما لفظ امر تنها بر طلب تشریعی وضع شده است.
۴. لفظ طلب در طلب تشریعی دانی از عالی و نیز مساوی از مساوی، حقیقتاً استعمال می‌شود؛ اما لفظ امر تنها بر طلب تشریعی عالی (یا مستعلی) از دانی وضع شده است.
۵. لفظ امر بر معنای شیء نیز وضع شده است، به خلاف لفظ طلب.
۶. در بین اصولیون اختلاف است که لفظ امر برای طلب وجوبی وضع شده است یا برای طلب استحبابی و یا بر مطلق طلب.
۷. برخی قائلند که لفظ امر بر طلب وجوبی وضع شده است و بر این مدعا ادله‌ای آورده‌اند که از جمله آنها آیه «فلیحذر الذین یخالفون عن أمره» و روایت «لو لا ان أشق علی أمتی لأمرتهم بالسواک» و تبادل می‌باشد.